

بررسی نظام تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم (با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان)

دکتر علی سلیمان پور^۱ - دکتر امیر اکبری^۲

چکیده

مقاله حاضر تلاشی نظام مند و مبتنی بر روش شناسی علمی به منظور بازنمایی، تحلیل و تبیین برنامه «تمدن سازی اسلامی» در قرآن کریم است. نگارنده در این نوشتار سعی نموده پس از ارائه کلیاتی درباره مفاهیم و عناصر اصلی موضوع، شامل گفتمان، تمدن و تمدن سازی اسلامی با بهره‌گیری از تکنیک‌های تجربی تحلیل گفتمان «نظام تمدن سازی اسلامی» در قرآن کریم را طی مباحثی به شرح زیر مورد بررسی قرار دهد: ۱- بازنمایی و تحلیل نظم گفتمان جاهلیت به عنوان بافت موقعیتی و بستر تاریخی، فرهنگی و سیاسی اجتماعی پیدایش و تکوین تمدن اسلامی؛ ۲- استخراج و شرح برخی وجوه غیرتبت سازی قرآن کریم نسبت به نظام جاهلی که تبعاً با هدف تثبیت و توسعه نظام معنایی اسلام صورت گرفته است؛ ۳- مفصل بندی نشانه‌های اصلی و دال‌های کلیدی گفتمان‌های رقیب (تمدن سازی اسلامی و جاهلی) که ما را قادر به درک روشن‌تر و شناسایی بهتر نسبت به برخی زوایای پنهان و واقعیت‌های نهفته در لایه‌های فکری و فرهنگی «نظام تمدن سازی اسلامی» در قرآن کریم می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: قرآن، تمدن اسلامی، نظام اسلامی، تحلیل گفتمان.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بجنورد. a-soleimanpour@yahoo.com

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بجنورد. amirakbari84@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۲

مقدمه

بیان مسئله

قرآن کریم به عنوان منبع اصلی «تمدن سازی اسلامی» لازم است تا به شیوه ای علمی، نظام مند و معقول مورد توجه و بررسی قرار گیرد. در راستای چنین ضرورتی پژوهش حاضر تلاش نموده با استفاده از روش شناسی تحلیل گفتمان، اصول و ابعاد مختلف تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم را استخراج، بازنمایی و تحلیل نماید. مطالعه دقیق و هوشمندانه آیات الهی گواه این واقعیت است که کتاب آسمانی قرآن در کنار تصویر سازی روشن از نظام معنایی اسلام، پیوسته با روش غیریت سازی، به تثبیت نظام فکری و فرهنگی مورد نظر خویش و نفی گفتمان «مخالف»، «دشمن»، «دیگری» و «باطل» پرداخته است. روش تحلیل گفتمان به ما کمک می کند تا به شیوه ای علمی و کم و بیش متفاوت، ابعاد مختلف نظام تمدن سازی مزبور را تبیین و بررسی نماییم. جنبه های آشکار منازعه و تخاصم های گفتمانی قرآن در فرایند دستیابی به هژمونی و کسب سلطه معنایی مورد نظر اسلام در این خصوص واقعیتی انکار ناپذیر است که شواهد متعدد آن را در متن مقاله مورد اشاره قرار خواهیم داد.

سؤال اصلی

قرآن کریم فرایند تمدن سازی اسلامی را بر اساس چه نوع نظام معنایی و با چه شیوه ای دنبال نموده است؟

فرضیه

مطالعه روشمند در آیات مختلف قرآن گویای این مطلب است که تمدن سازی اسلامی در این کتاب الهی با دفاع از نظام فکری و فرهنگی «خود» با عنوان گفتمان «حق» در مقابل گفتمان «باطل» و «دیگری» صورت گرفته و این کار بی وقفه در جهت

بسط و توسعه نظام معنایی اسلام در ذهنیت جمعی اجتماع (صدر اسلام و تمامی اعصار) دنبال شده است.

مفروضات

این پژوهش مفروض می‌دارد:

- ۱- قرآن کریم اولین و مهم ترین منبع تمدن سازی اسلامی است.
- ۲- قرآن کریم در موضوع تمدن سازی اسلامی و فراز و فرود تمدن های مختلف دارای مباحث روشن و پیام های معقول و معتبر فراوانی است.
- ۳- با بهره گیری از روش شناسی مناسب و به ویژه رویکرد تحلیل گفتمان بسیاری از واقعیت های جاری در نظام فکری و فرهنگی تمدن ساز اسلامی در قرآن کریم را می توان استخراج، تحلیل و تبیین نمود.

ادبیات و پیشینه موضوع

مجموعه کتب، مقالات و بررسی های معطوف به شناخت تمدن اسلامی و از جمله تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم، به رغم تنوع و گستردگی زیاد، با رویکرد علمی و بهره گیری از شیوه های تحلیل جدید کمتر عرضه و ارائه شده اند. آنچه مسلم است اینکه توجه مراکز علمی و دانشگاهی در سال های پس از انقلاب اسلامی به این حوزه حجم عظیمی از منابع و آثار مرتبط با موضوع را تولید نموده است که متأسفانه جای خالی بهره گیری از روش های علمی و به ویژه نظریه و روش تحلیل گفتمان در آنها کاملاً مشهود است. مقاله حاضر با هدف ارائه الگویی محدود و مختصر درباره استفاده از روش تحلیل مذکور در مطالعات اسلامی تلاش نموده تا اندکی از خلأ موجود را پر نماید و در عین حال لزوم توجه به این مهم را یادآور شود. جست و جو و بررسی های اولیه در خصوص استفاده از روش شناسی گفتمانی در موضوع تمدن اسلامی متأسفانه نتیجه ای دربر نداشته است و آنچه ارائه می شود نوعی ابتکار شخصی و تجربه ای ابتدایی در این باره است که امیدواریم مورد توجه، نقد و ارزیابی صاحب نظران و اندیشمندان ارجمند واقع شود.

گفتار نخست: کلیاتی درباره‌گفتمان، تمدن و تمدن سازی اسلامی

۱- گفتمان^۱

گفتمان به زبان ساده عبارت از این است که یک مفهوم و یک معرفت همه گیر شود. به وجود آمدن گفتمان فراگیر به نحوی که افکار عمومی و اندیشه آحاد جامعه را به تصرف خود درآورد واقعیتی است که همواره در نظام فکری و معنایی جوامع مختلف جاری است. با توجه به اهمیت رویکرد گفتمانی و منازعات پیوسته گفتمان ها برای تثبیت اصول، رویه ها و معانی مورد نظر خویش و از سوی دیگر انتخاب روش شناسی مزبور برای تحلیل نظام تمدن سازی اسلامی در قرآن، بسیار ضروری است تا مختصری در این باره سخن بگوییم.

نظریه و روش تحلیل گفتمان^۲ یکی از شاخه های علمی بین رشته ای در زبان شناسی است که کارکرد زبان در جامعه و سیاست را بررسی می کند. براساس این رویکرد، زبان به عنوان عملی اجتماعی و در ارتباط با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه در سطح متن اعم از گفتار و نوشتار مورد مطالعه قرار می گیرد.^۳ تحلیل گفتمان ریشه در فلسفه سیاسی میشل فوکو، دیدگاه های زبان شناختی سوسور و نظریات اندیشمندان پست مدرن مانند ژاک دریدا^۴، لیوتار، ژاک لاکان و ریچارد رورتی دارد که امروزه به عنوان یک رهیافت مفید و کارآمد برای تحلیل و تبیین پدیده های اجتماعی و فهم امور سیاسی مورد استفاده قرار می گیرد.

۲- تمدن^۵

تمدن در لغت به معنای شهرنشینی و آراستگی به اخلاق اهل شهر و انتقال از

1. Discourse.

2. Discourse Analysis.

۳. آقا گل زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۹.

4. Derrida. J.

5. Civilization.

خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت است^۱ و در معنای اصطلاحی عبارت از نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که مجموعه پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال حاوی حیات مذهبی، اخلاقی، زیبایی شناختی، فنی یا علمی و مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر را شامل می‌شود.^۲

به نظر ویل دورانت تمدن چهار رکن و عنصر اساسی دارد که عبارت‌اند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر.^۳ تمدن بر اساس برخی تحلیل‌ها بالاترین گروه‌بندی فرهنگی مردم و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی تلقی شده است که انسان‌ها از آن برخوردارند و به این ترتیب بخش اعظم تاریخ بشر را تمدن‌ها تشکیل می‌دهند. تمدن‌ها موجودیتی قابل درک دارند، پویا هستند، ظهور و سقوط می‌کنند، تقسیم می‌شوند و در وادی زمان دفن می‌شوند.^۴ عناصر اصلی سازنده تمدن‌های بزرگ را مذهب، تاریخ، سنت و تجربه مشترک تشکیل می‌دهد که در این میان تمدن‌های بزرگ اغلب با مذاهب عمده جهانی شناخته می‌شوند. تمدن اسلامی نیز به همین نحو هویت و معنای واقعی خود را بیشتر از هر عامل دیگری مدیون فرهنگ، اندیشه، عقاید، اخلاق و ارزش‌هایی است که از قرآن کریم برگرفته است.

۳- قرآن و تمدن سازی اسلامی

همان‌گونه که مورد اشاره قرار گرفت شکل‌گیری تمدن اسلامی ریشه در معارف و آموزه‌هایی دارد که ابتدا از طریق وحی و به صورت کلام الهی برای هدایت بشر عرضه و ارائه شده است. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی تمدن سازی اسلامی مشتمل بر

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: سازمان لغت نامه دهخدا، ۱۳۴۳، ذیل واژه «تمدن».

۲. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، فرهنگ قرآن، ج ۸، ص ۵۲۱.

۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، ج ۱، ص ۳.

۴. رضائی، روح‌الله، «آمیختگی تمدن‌ها»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۹۵ و ۹۶، ۱۳۷۶ ش، ص ۷.

حوزه های علمی و فرهنگی بی شماری است که لازم است به شیوه ای اصولی و روشمند مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. به نظرمی رسد نقطه آغاز در فرایند تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم گفتمان سازی آن برای رهایی انسان ها از تاریکی، جهل و عقب ماندگی و هدایت به سوی روشنایی، دانایی و پیشرفت است، چنان که آیات بسیاری نیز بدان تصریح نموده اند؛ از جمله در آیه ۲۵۷ سوره بقره (آیه الکرسی) می فرماید: «خداوند ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، آنها را از ظلمت ها به سوی نور می برد، (اما) کسانی که کافر شدند اولیای آنها طاغوت ها هستند که آنها را از نور به سوی ظلمت ها بیرون می برند، آنها اهل آتش اند و همیشه در آن خواهند ماند».

معنای لغوی تمدن (خروج از توحش، جهل و خشونت) حقیقت جاری در نظام تمدن سازی قرآن کریم را تایید می نماید. در واقع مدنیت، کسب خصلت های والا و آراستگی به ارزش های متعالی در قلمرو حیات مادی و معنوی به عنوان اموری بلامنازع در فرایند ایجاد تمدن اسلامی هستند که معنای واقعی «تمدن» آنها را تداعی می کند.

بررسی آیات معطوف به تمدن سازی اسلامی شواهد زیادی از جریان نظام مند و اصولی قرآن کریم در این رابطه را نشان می دهد که می توان با عنوان «گفتمان تمدن سازی اسلامی در قرآن کریم» از آن یاد کرد. برخی از شواهد و موارد آیات الهی در این خصوص به شرح زیر است:

الف- زندگی و نظام اجتماعی: از آنجایی که وجه تمدنی و سازوکار کمال جویی انسان در ابعاد مادی و معنوی ارتباط تنگاتنگی با حیات اجتماعی وی دارد این امر حائز اهمیت زیادی است تا از نگاه قرآن کریم بازنمایی و معرفی شود. بررسی آیات مختلف در این زمینه نشان می دهد که آرمان الهی، تأسیس نوعی نظام اجتماعی است که نمونه کامل اعتدال و استقامت باشد و از هر افراط و تفریطی پرهیزد. (بنگرید به: بقره / ۱۴۳) بر مردم است که از مواهب جهان برخوردار شوند، (بنگرید به: اعراف / ۳۲). جامه های نیکو بپوشند، بخورند و بیاشامند، ولی از حد نگذرانند. (بنگرید به: اعراف / ۳۱) به همین جهت رهبانیت که مستلزم ترک زندگی دنیوی است تقبیح شده (بنگرید به: حدید / ۲۷) و به انسان توصیه شده است تا نصیب و بهره خود را از دنیا فراموش نکند (بنگرید به: قصص / ۷۷).

از نگاه قرآن، ایمان به خدا شرط لازم در حیات اخلاقی است و البته ایمانی که صوری و زبانی نباشد (بنگرید به: مائده / ۴۴) و باید با عمل صالح (بنگرید به: اعراف / ۴۲) همراه و حاکی از تسلیم کامل در برابر اراده الهی باشد. (بنگرید به: بقره / ۱۳۱) قرآن می‌گوید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ (حجرات / ۱۰)؛ (همانا مؤمنان برادر یکدیگرند) و با یکدیگر مشفق و مهربان‌اند. (بنگرید به: فتح / ۲۹) هیچ عذری در طرفه از کار خیر یا اصلاح و آشتی بین مردمان پذیرفته نیست (بنگرید به: بقره / ۲۲۴) و برای اصلاح بین افراد باید سعی بلیغ به‌کار برد. (بنگرید به: نساء / ۱۱۴) بر همه ما فرض است که در راه نیکی و درستی بکوشیم، نه در جانب گناه و دغل. (بنگرید به: مائده / ۲) باید با نیازمندان و همسایگان و در راه ماندگان (ابن السبیل) مهربان باشیم. (بنگرید به: اسراء / ۲۶) این مهر و مدارا حتی با دشمنان نیز باید رعایت گردد. (بنگرید به: مائده / ۲، ۸ و ۴۵) باید بکوشیم کسانی را نیز که نابکاری و بد اخلاقی می‌کنند بیخشاییم و بد رفتاریشان را نادیده بگیریم (بنگرید به: مائده / ۱۳) و بدی را با عفو و اغماض پاسخ گوئیم (بنگرید به: نساء / ۱۴۹) و در برابر بدی نیکی کنیم یا به عبارت دیگر بدی را با نیکی دفع کنیم. (بنگرید به: رعد / ۲۲).

انسان از آنجایی که بر فطرت الهی آفریده شده است (بنگرید به: روم / ۳۰) می‌تواند مراحل کمال را بییامید (بنگرید به: انشقاق / ۱۹)، ولی این کمال جویی مستلزم مبارزه با وسوسه‌های غیر اخلاقی دنیوی است که می‌توان با امداد خداوند بر آنها غلبه کرد. (بنگرید به: غافر / ۵۱) این مجاهده انسانی تنها آخری نیست، (بنگرید به: حدید / ۲۳) و (۲۴) بلکه در درجه اول وظیفه مؤمنان این است که در راه استقرار یک نظام اجتماعی بر مبنای صلح و عدل و اعتدال تلاش کنند؛ نظامی که در آن همه در برابر قانون یکسان باشند و زمامدارانش امور جاری را با مشورت مردم برگزار کنند. (بنگرید به: شوری / ۳۸).

ب- توجه به سنت‌ها و عبرت‌های تاریخی: توصیه قرآن به مطالعه تاریخ بسیار درس آموز و تمدن‌آفرین است به دلیل آنکه تاریخ معلم انسان‌ها و گذشته چراغ راه آینده است. از نگاه قرآن کریم برای هر قوم زنده‌ای در سرگذشت اقوام و امم گذشته عبرت‌ها نهفته است. هر قومی باید در «ایام الله» یعنی دوره‌های پراهمیت تاریخ یا دوره‌های شکوه یا شکست اقوام مطالعه و سیر کند. (بنگرید به: ابراهیم / ۵) بر مردم است که در

زمین سیر و سفر نمایند تا بدانند که سرانجام کسانی که از قوانین طبیعت یعنی آیات الهی غافل شده‌اند چگونه بوده است. (بنگرید به: آل عمران / ۱۳۷) آنان که هدایت نمی‌یابند و دیگران را به حق رهنمون نمی‌شوند و لذا به حق رفتار نمی‌کنند، حتی اگر عمری دراز یابند در غفلت گرفتارند. (بنگرید به: اعراف / ۱۸۲ و ۱۸۳). خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نکند تا زمانی که آن قوم خود حالشان را تغییر دهند و هرگاه خداوند اراده کند که قومی را به بدی اعمالشان عقاب کند هیچ چیز اراده او را بر نمی‌گرداند. (بنگرید به: رعد / ۱۱). از همین روست که عبرت آموختن از گذشته و گذشتگان اهمیت بسیاری دارد. در قصص گذشتگان عبرت و اعتباری برای خردمندان نهفته است. (بنگرید به: یوسف / ۱۱۱؛ ابراهیم / ۵؛ روم / ۹؛ احزاب / ۶۲؛ فاطر / ۴۴). حتی وصف کوتاهی از اعتلاء و انحطاط اقوام رخدادهای بزرگ تاریخ و تبعات آنها می‌تواند مایه عبرت و هشدار و هدایت باشد. اعتنای قرآن به تاریخ تا حدی است که نام پانزده سوره قرآن تلویح تاریخی دارد. همچنین تاریخ هم عصر با زمان نزول قرآن نیز نادیده گرفته نشده است. قرآن به وقایع روز از جمله غزوه بدر، (بنگرید به: آل عمران / ۱۳). غزوه تبوک (بنگرید به: توبه / ۴۰-۵۹)، بازگانی قبیله قریش (بنگرید به: قریش / ۱-۴) و نفاق کسانی که باطناً دشمن اسلام و پیامبر بودند و به ظاهر اظهار ایمان می‌کردند و نیز خصومت کسانی چون ابولهب و همسرش (بنگرید به: تبت / ۱-۵) اشاره دارد.

ج- تأکید بر علم آموزی و دانش افزایی: علم و دانش، حکمت و معرفت و تفکر و تأمل عقلانی در نظام آفرینش، زیبایی های خلقت و فلسفه واقعی حیات تماماً عناصر جدایی ناپذیر در فرایند پیشرفت و نیل به مدنیت (تمدن) محسوب می‌شوند که قرآن کریم به زیبایی و با ظرافت مخصوص بدان‌ها توجه نموده است. از نگاه این کتاب نجات بخش، علم به عنوان یکی از فضایل انسانی همانا جست و جوی دانش یا حقیقت است. چنین می‌نماید که گاه مراد از علم در قرآن چیزی است متمایز از ظن یا علم ناقص (بنگرید به: نساء / ۱۵۷؛ انعام / ۱۱۶) و خیال بافی محض. در قرآن تمثیل‌های گوناگون (بنگرید به: اعراف / ۱۷۶) و تشبیه‌هایی (بنگرید به: حجرات / ۱۲) در این باب هست و تصریح شده که آیات الهی برای اهل فهم به تفصیل یعنی به روشنی بیان شده است.

تأویل یا کنه معنای وحی الهی را جز کسانی که راسخ در علم اند در نمی یابند (بنگرید به: آل عمران / ۷ و ۱۸). فقدان علم حقیقی بعضی از جاهلان را وامی دارد که به خدا دشنام گویند (بنگرید به: انعام / ۱۰۸) و او را تکذیب کنند و خدایان دیگری را در جنب او بپرستند (بنگرید به: حج / ۷۱). تنها طریقت مطمئن همانا پیروی از وحی است که آکنده از معرفت به خداوند است (بنگرید به: هود / ۱۴). «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (خدا به هر کس که بخواهد حکمت دهد و کسی که حکمت یافت همانا خیر کثیر یافته است). کسانی که به ناحق درباره ایمان به خدا جدل می کنند، کسانی هستند که نه دانشی دارند، نه هدایتی و نه کتاب روشنگری (بنگرید به: حج / ۸؛ لقمان / ۲۰). فقط کسانی به پایگاه بلند می رسند که علم و ایمان دارند (بنگرید به: مجادله / ۱۱). «وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (تنها دانایان اند که خدا ترسند).

هنگامی که سلیمان از حاضران درگاهش پرسید که کدام یک می تواند تخت ملکه سبارا برای او بیاورد فقط کسی که از علم بهره مند بود (الذی عنده علم من الكتاب) پیش قدم شد و توانست آن را بیاورد (بنگرید به: نمل / ۴۰). قرآن به رسول گرامی توصیه می کند که به دعا از خداوند بخواهد که بر علم او بیفزاید (بنگرید به: طه / ۱۱۴). همچنین موسی از علم و حکمت نصیبی داشت (بنگرید به: قصص / ۱۴) و ابراهیم از طریق علم و اندیشه در آیات الهی یعنی پدیده های طبیعت و آسمان و زمین بود که توانست به برترین حقیقت راه یابد (بنگرید به: انعام / ۷۵ و ۹۰).

گفتار دوم: کاربرد روش تحلیل گفتمان در فرایند بررسی «نظام تمدن سازی» در قرآن

مبحث اول: بررسی نظم گفتمان جاهلیت و فرایند تمدن سازی قرآن کریم

در چارچوب رویکرد انتقادی تحلیل گفتمان، مفهوم «نظم گفتمان» به فضایی اجتماعی اشاره دارد که در آن گفتمان های مختلف تا حدودی قلمرو واحدی را پوشش می دهند و هریک در رقابت با دیگری تلاش می کند تا آن قلمرو را به روش خاص خود معنادار نماید. این اصطلاح در عین حال حوزه بالفعل و بالقوه تعارضات گفتمانی را نیز نشان می دهد که بر اساس آن مفاهیم «تخاصم» و «هژمونی» در سطح گفتمان ها ظهور

یافته، اهمیّت خود را آشکار می سازند.^۱

تحلیل گفتمانی نسبت به «نظام تمدن سازی اسلامی» قبل از هر چیز نیازمند تصویرسازی مفهومی از فضای فکری، فرهنگی و سیاسی- اجتماعی است که فرایند مورد نظر از آنجا آغاز شده و مراحل پیشرفت و تحوّل خویش را طی نموده است. قرآن کریم در این زمینه بهتر از هر منبع دیگری شرایط مزبور را بیان می نماید: «نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل های شما اُنس و الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حُفّره ای از آتش بودید، خداوند شما را از آن نجات داد»^۲.

آنچه مسلم است اینکه عصر ظهور اسلام با عنوان «دوران جاهلیت» مشتمل بر مجموعه قوانین، ساز و کارها، ارزش ها و باورهایی بوده که پیوسته و بی وقفه توسط قرآن کریم به چالش کشیده شده است. تلاش برای تثبیت نظام معنایی اسلام و نفی نظام فکری و فرهنگی دشمن (گفتمان جاهلی) موضوع بسیار مهمی است که طی مباحث بعدی دنبال خواهد شد. آنچه اکنون در قلمرو بررسی نظم گفتمان جاهلیت به عنوان فضای اجتماعی و بستر فرهنگی ظهور اسلام اهمیت دارد عبارت از این است که حوزه منازعات گفتمانی اسلام و کفر (مدنیت / جاهلیت و حق / باطل) بازنمایی و زمینه ورود در مباحث غیریت سازی قرآن به منظور ایجاد تمدن اسلامی فراهم گردد.

قرآن کریم هر عملی را که از روی نادانی و هوای نفس انجام شود مصداق جاهلیت می داند. در فرهنگ قرآن خودنمایی ها، برخی زیورها و آرایش های زنانه، گمان ناحق، بداندیشی نسبت به خدا و افعال او، حکومت ناحق و قانون خلاف واقع و تعصب های نابجا، از معیارها و نمودهای جاهلیت شمرده شده است.^۳ امام علی علیه السلام نیز هر آنچه را که برخلاف مسیر حق باشد و در مقابل الله قرار گیرد جاهلی دانسته و محکوم می نماید.

۱. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، ص ۲۳۰.

۲. آل عمران / ۱۰۳.

۳. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۷۰.

آن حضرت در بخش‌هایی از نهج البلاغه عدم تفقه در دین، به‌کار نبردن خرد در خداشناسی و میراث دار بودن فرهنگ‌های منحط گذشته را از مصادیق جاهلیت دانسته، فضای گفتمانی آن را به درستی فراتر از محدوده عربستان و شهر مکه نشان می‌دهند. توصیفات روشن‌گرامام در این زمینه را می‌توان در خطبه نخست نهج البلاغه ملاحظه نمود، آنجا که می‌فرماید: «مردم روی زمین دارای مذاهب پراکنده، خواسته‌های گوناگون و روش‌های متفاوت بودند. عده‌ای خدا را به پدیده‌ها تشبیه می‌کردند و گروهی نام‌های ارزشمند خدا را انکار و به بت‌ها نسبت می‌دادند... تا اینکه خدای سبحان پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ را فرستاد و مردم را از گمراهی نجات داد و از جهالت‌ها رهایی بخشید».

جهان‌شمولی پیام قرآن و رسالت جهانی پیامبر خاتم‌الاجباب می‌کند تا نظم گفتمان جاهلی به قلمرو جغرافیایی شبه جزیره عربستان محدود نشود. این حقیقت به‌رغم آنکه در قرآن بدان تصریح شده است، لیکن برای تصویرسازی مفهومی مناسب در این مقاله ناگزیر از تأکید و تمرکز بیشتر بر میدان و نظم گفتمانی منطقه ظهور اسلام هستیم و عمده توجه خود را بدان مبذول می‌داریم. بیانات قرآن کریم و متون تاریخی صدر اسلام گواه بر این است که نظام جاهلی مردم عرب از یک سو فاقد تمامی آثار فرهنگ و تمدن پیشرفته اعم از قدرت سیاسی، رفاه مادی، پیشرفت‌های علمی و ارزش‌های متعالی اخلاقی بوده است و از سوی دیگر افکار و عقاید مبتنی بر خرافات، تقلید کورکورانه از پیشینیان، تعصبات قبیله‌ای، بی‌سوادی، فقر و مانند آن، موانع عظیمی در مقابل هرگونه تحوّل مثبت و اندیشه پیشرو بوده‌اند.

واکنش‌های نخستین عرب جاهلی به دعوت پیامبر و انواع کنش‌های کلامی و رخدادهای ارتباطی در این زمینه گواه آشکاری بر این مقوله است. آن هنگام که پیامبر اسلام رسالت خویش را آشکار ساخت و اولین آیات هدایت‌گر و تمدن‌آفرین را بر مردم تلاوت نمود عده‌ای در مقام انکار برآمده، رسول خدا را گمراه‌کننده و اغواگر نامیدند.

به‌رغم انکار مشرکان و بلکه مبادرت آنان به آزار و اذیت پیامبر و شکنجه و کشتار مسلمانان، آن حضرت فرایند ارشاد و هدایت خویش را (بنا بر توصیه قرآن) برآگاه‌سازی عقلانی، دوستی و محبت، مدارا و بخشش و موعظه حسنه قرار دادند و نباید تردید نمود

که این شیوه ارزشمند ارتباط و گفتار، امکان گفتمان سازی اسلامی را فراهم کرد و تدریجاً نظام معنایی مورد نظر قرآن کریم را در افکار عمومی گسترش داد. آیه قرآن در این زمینه عبارت از این است که هرگاه پیامبر اسلام نسبت به مردم خشن و سنگدل می بود هر آینه از اطراف وی پراکنده می شدند و می فرماید: «پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن».^۱

در کنار عامل اخلاق و شیوه شایسته رفتار پیامبر با دوستان و دشمنان، دعوت مبتنی بر اندرز نیکو و جدال احسن به همراه عدالت خواهی و شکیبایی آن حضرت نیز عوامل مؤثر دیگری بودند که امکان بسط و توسعه گفتمان تمدن سازی اسلامی را در بافت موقعیتی جاهلی فراهم نمود.^۲

با استقرار دولت اسلامی در مدینه که مرهون دو اصل اساسی «هجرت»^۳ و «امنیت» بود تدریجاً تمامی عناصر و بنیان های تمدن اسلامی (مطابق با آیات الهی) همچون تأکید بر علم آموزی و دانش افزایی، اتحاد، تعاون و همکاری، تلاش، تجربه و مشاوره استوار گردید و این گونه بود که دین اسلام برتری یافت و باعث ناامیدی کافران و دشمنان اسلام شد.

﴿...الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَنْتُمْ عَلَيَّكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾. (مائده / ۳)؛ امروز کافران از آیین شما مأیوس شدند. بنابراین از آنها نترسید و از (مخالفت) من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم.

آیه الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه مزبور می نویسد: «این بحث در میان مفسران وجود دارد که منظور از «الیوم» که در این آیه دو باره تکرار شده چیست؟ یعنی کدام روز است که این چهار جهت در آن جمع شده است؛ هم کافران در آن مأیوس شدند، هم دین

۱. آل عمران / ۱۵۹.

۲. نحل / ۱۲۶-۱۲۸.

۳. بنگرید به: ظریفیان شفیعی، غلامرضا، دین و دولت در اسلام، تهران: ص ۱۲۳-۱۲۶.

کامل شده، هم نعمت خدا تکامل یافته و هم خداوند آیین اسلام را آیین نهایی مردم جهان پذیرفته است. مفسران در این باره سخنان بسیاری گفته‌اند، ولی شکی در این نیست که چنین روزی باید روز مهمی باشد. در این میان تمام مفسران شیعه این روز را هیجدهم ذی‌الحجه (روز غدیر) می‌دانند؛ یعنی روزی که پیامبر اسلام ﷺ امیرالمؤمنین علی را به طور رسمی برای جانشینی خود تعیین کرد. در این روز بود که آیین اسلام به تکامل واقعی خود رسید؛ زیرا بدون جانشینی برای پیامبر ﷺ و بدون روشن شدن وضع آینده مسلمانان این آیین به تکامل نهایی نمی‌رسید و نیز آن روز بود که اسلام با تکمیل شدن برنامه‌هایش به مثابه آیینی جهانی از طرف خداوند پذیرفته شد.^۱

مبحث دوم: برخی وجوه غیریت‌سازی قرآن کریم با هدف ایجاد تمدن اسلامی

نظام تمدن‌سازی اسلامی در قرآن کریم علاوه بر وجوه مختلف ایجابی و اثباتی که برای آن به‌کاررفته بخشی از آن نیز معطوف به غیریت‌سازی (طرد و نفی) جمیع آثار و نشانه‌های جاهلیت، عقب‌ماندگی، انحطاط و آشفتگی گذشته است. براساس روش‌شناسی تحلیل گفتمان «غیریت‌سازی» عملی است که از طریق آن سوره‌ها علاوه بر کسب هویت در فرایند نفی «دیگری»، «خود» را برجسته نموده و نظام معنایی خویش را گسترش می‌دهند. فردیناند دوسوسور، زبان‌شناس معروف سوئیسی که تأثیر زیادی بر رویکرد گفتمانی نسبت به معنا دارد معتقد است: واژه‌های «شب» و «روز» به خودی خود نمی‌توانند هیچ معنایی داشته باشند. تفاوت میان شب و روز است که آنها را معنادار می‌سازد.^۲

غیریت‌سازی به عنوان یکی از تکنیک‌های تجربی تحلیل گفتمان بیشتر با هدف دستیابی به هژمونی؛ یعنی بسط نظام معنایی خویش در ذهنیت جمعی اجتماع صورت می‌گیرد. گفتمان «دشمن» در اینجا بر ساخت‌های واقعی یا نمادین است که با کمک آن می‌توان گفتمان «خودی» را بازنمایی کرد و تفاوت «خود» با «دیگری» را تجسم بخشید.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ص ۱۰۷.

۲. هال، استوارت، غرب و بقیه: گفتمان و قدرت، ترجمه محمود متحد، ص ۳۸.

عملیات غیریت‌سازانه با هدف گفتمان‌سازی اساساً فرایندی پیچیده و دارای وجوه متفاوتی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: مرز‌سازی سیاسی، حصارکشی هویتی، تفاوت‌گذاری و بازنمایی افتراقی، غیریت‌سازی افراطی با تجویز و توسل به خشونت فیزیکی و یا نمادین، تحریف، تحقیر و تخریب «دیگری» با استفاده از نمادها، توصیفات و تصویرسازی‌های مغشوش و مشکک در میدان مبارزات گفتمانی.^۱

برنامه و عملیات غیریت‌سازی قرآن کریم نسبت به گفتمان جاهلی را می‌توان به صورت مجموعه کاملی از انواع تفاوت‌گذاری و بازنمایی‌های افتراقی بدین شرح زیر تبیین و تحلیل نمود:

الف- نفی شرک و پرستش خدایان دروغین، عبادت بت‌ها، پیروی هوای نفس، متابعت شیطان و اطاعت علماء سوء و مرشدین گمراه که تماماً انسان را از مسیر حقیقی پیشرفت و کمالات مادی و معنوی دور می‌سازند. دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه، اولین اصل ایمان و نخستین پیام علنی رسول خدا خطاب به مشرکان قریش بود که فرمودند: «یا ایها الناس قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، (ای مردم بگوئید جز خدای یکتا خدایی نیست تا رستگار شوید).^۲ برخی نمونه آیات تمدن‌ساز اسلامی که معطوف به غیریت‌سازی نسبت به عقاید الحادی و باورهای کفرآمیز هستند، عبارت‌اند از:

- «شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به هم می‌بافید؛ آنهایی را که غیر از خدا می‌پرستید مالک هیچ رزقی برای شما نیستند. روزی را تنها از خدا طلب نمایید و او را پرستش کنید و شکر او را به جا آورید که به سوی او بازگشت داده می‌شوید».^۳

- «آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! آیا تومی‌توانی او را هدایت کنی (یا به دفاع از او برخیزی)؟»^۴

۱. بنگرید به: ادیب‌زاده، مجید، زبان، گفتمان و سیاست خارجی.

۲. طباطبایی اردکانی، محمود، تاریخ اسلام، ص ۱۲۵.

۳. سوره عنکبوت/ ۱۷.

۴. فرقان/ ۴۳.

پیامبر اسلام ﷺ نیز در این زمینه می‌فرماید: «در زیر آسمان هیچ بتی بزرگ‌تر از هوی و هوسی که از آن پیروی کنند وجود ندارد».^۱

ب- افزون بر تأکید قرآن نسبت به اصل توحید و مرکزیت آن به عنوان عنصر اصلی فرهنگ‌سازی دینی و ایجاد تمدن اسلامی، انبوهی از دستورات مبتنی بر نفی، طرد و حذف عقاید خرافی، اخلاقیات مبتذل، سبک زندگی منحط، سنت‌های غلط و رفتارهای نامعقول را می‌توان در این کتاب آسمانی ملاحظه نمود که براساس رهیافت تحلیل گفتمان نامی جز «غیریت‌سازی» نمی‌توان بر آن نهاد. در ادامه و با رعایت اختصار تنها تعدادی از آیات شریفه الهی را در این خصوص مورد اشاره قرار می‌دهیم:

- «بگو: بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانان را از ترس فقر نکشید. ما شما و آنها را روزی می‌دهیم. و نزدیک کارهای زشت نروید، چه آشکار باشد چه پنهان. و انسانی را که خداوند محترم شمرده به قتل نرساید، مگر بحق (و از روی استحقاق). این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش کرده؛ شاید درک کنید».^۲

- «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید».^۳

- «فرزندانان را از بیم تنگدستی نکشید».^۴

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری گمان‌ها اجتناب کنید. به درستی که بعضی از گمان‌ها گناه است».^۵

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل نشوید تا اجازه بگیرید».^۶

۱. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، ص ۳۶۳.

۲. انعام/ ۱۵۱.

۳. اعراف/ ۳۱.

۴. اسراء/ ۳۱.

۵. حجرات/ ۱۲.

۶. نور/ ۲۷.

«به کفار ناسزا نگویند و اهانت نکنند، تا اینکه آنها هم به خدا از سر دشمنی و جهالت اهانت نکنند». (بنگرید به: انعام / ۱۰۸).

« به عهد خود وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید». (بنگرید به: نحل / ۹۱).

«هیچ‌گاه خود را مستایید و مبرا از عیوب ندانید؛ چرا که خدابه پرهیزکاران داناست». (بنگرید به: نجم / ۳۲).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا (سود پول) را با افزودن‌های مکرر نخورید». (بنگرید به: آل عمران / ۱۳۰).

«فرمان اسرافکاران را پیروی نکنید». (بنگرید به: شعراء / ۱۵۱).

«در امور نیک و گسترش تقوا همکاری داشته باشید ولی در گناه و ظلم به همدیگر کمک نکنید». (بنگرید به: مائده / ۲).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدقات و خیرات خود را با متت و آزار نیازمندان ضایع و باطل نسازید». (بنگرید به: بقره / ۲۶۴).

«نزاع نکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود». (بنگرید به: انفال / ۴۶).

نظام تمدن‌سازی قرآن کریم رامی‌توان بسته‌کاملی از باید و نبایدهای عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن تلقین کرد که هرگاه اجزاء و عناصر مفهومی آن استخراج، تنظیم و به بیان گفتمانی «مفصل‌بندی» شوند، هدف نهایی بعثت و فلسفه حقیقی رسالت نبی مکرم اسلام را برما آشکار می‌سازد. به تعبیر عالم ربانی آیه‌الله حاج شیخ هادی نجم‌آبادی «چون تمام قرآن را تأمل و تدبر و تفکر نمایی و از تفسیر به رأی و امانی خود اعراض نمایی و به ظاهر لفظ و فطرت اصلیه خود رجوع نمایی، می‌بینی... حاصل مجموع فرمایشات هدایت خلق و ارشاد ایشان است و از اینجاست که می‌فرماید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء / ۸۲)؛ (و اگر از جانب غیر خدا بود (در آن از جهت لفظ و معنا) بسیار اختلاف می‌افتاد).^۱

حقیقت نهفته در عبارات یادشده اصول کلی و بنیان‌های اصلی گفتمان اسلامی

۱. نجم‌آبادی، شیخ هادی، تحریر العقلاء، ص ۸۷.

برای تمدن‌سازی و در عین حال تفاوت‌گذاری با سایر گفتمان‌های انحرافی را به وضوح نشان می‌دهد. بررسی آیات مختلف قرآن کریم بیانگیر تأکید و توجه نسبت به عناصری است که می‌توان از طریق آرایش منطقی و مفصل‌بندی علمی نسبت به آنها فرایند غیریت‌سازی مورد نظر را بیش از پیش تبیین نمود. عملیات مفصل‌بندی گفتمان‌ها به ما کمک می‌کند تا عناصر متفاوتی را که جدا از هم و به صورت پراکنده شاید معنایی نداشته باشند، در کنار یکدیگر و در قالب یک گفتمان گرد آوریم.^۱

در پایان این گفتار بسیار ضروری است تا نشانه‌های اصلی و مفاهیم کلیدی در فرایند هویت‌بخشی به گفتمان تمدن‌سازی اسلامی در قرآن کریم را به یکدیگر متصل نموده، در قالب شبکه معانی گفتمان اسلامی به نمایش بگذاریم. همان‌گونه که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت، قرآن کریم در راستای تمدن‌سازی با تأکید بر اصل اختیار و حق انتخاب انسان، راه خیر و شر را برای وی باز نموده و بر اساس رحمت و رأفت خویش پیامبرانی برای هدایت ایشان فرستاده تا آنها را در انتخاب و پیمودن راه حق و حقیقت یاری نمایند. در چارچوب برنامه هدایت مزبور، اصول اساسی پیشرفت و تعالی مادی و معنوی انسان به شیوه‌ای روشن معرفی و ترسیم شده است که اجمالاً برخی از آنها بدین شرح است:

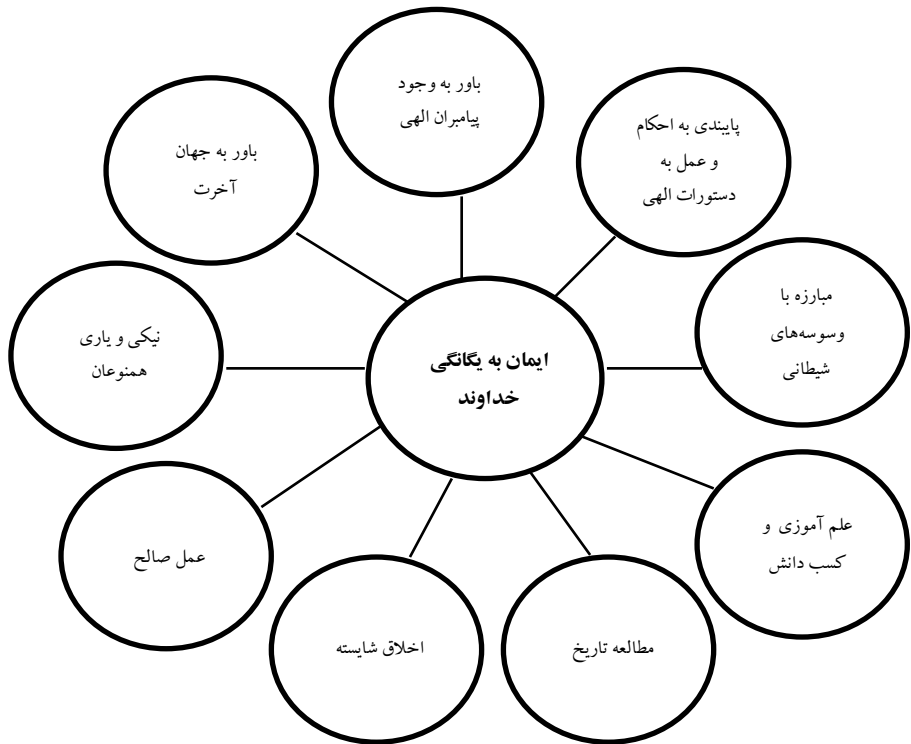
- ۱- انسان‌ها به یگانگی خداوند ایمان آورده، کفر و شرک را ترک نمایند.
- ۲- انسان‌ها نسبت به یکدیگر اخلاق نیکو و رفتار شایسته داشته باشند.
- ۳- انسان‌ها اساس زندگی خود را بر مبنای احکام و دستوراتی قرار دهند که در تعالیم خداوند تعیین شده است.
- ۴- انسان‌ها عقل و اندیشه خود را برای شناخت حق و باطل و ترفیع مقام نزد خداوند مورد استفاده قرار دهند؛ زیرا کسانی که از عقل پیروی نمی‌کنند به سان چهارپایان و کرو کور و گنگ‌اند.^۲
- ۵- انسان‌ها همواره مراقب وسوسه‌های شیطان طاغی و سرکشی که مدام سرگرم فریب

۱. سلطانی، سید اصغر، قدرت، گفتمان و زبان، ص ۷۲.

۲. بقره / ۱۷۱.

دادن و لغزاندن آنهاست باشند.

- ۶- انسان‌ها با ایمان به روز واپسین و جهان آخرت پیوسته مراقب افکار، گفتار و اعمال خویش در نظام هستی، نسبت به خداوند و هموعان خویش باشند.
 - ۷- انسان‌ها برای عبرت آموختن و بهره گرفتن از تجربیات گذشتگان، عوامل اعتلاء و انحطاط آنها و آگاهی از قوانین و سنت‌های پیشینیان، به مطالعه تاریخ پردازند.
 - ۸- انسانها در آیات و نشانه‌های الهی برای رسیدن به آگاهی عمیق و درک حقایق خلقت تفکر و تأمل نمایند.
- موارد یادشده و تبعاً انبوهی از آموزه‌های نجات بخش و تمدن آفرین دیگر در قرآن کریم را می‌توان در قالب شبکه عناصر تمدن سازی اسلامی به شکل زیر ترسیم و تصویر نمود:



شبکه گفتمانی مزبور تبعاً در مواجهه با نظم گفتمان جاهلی، با قرار دادن اصل توحید به عنوان نشانه اصلی و دال مرکزی خویش، مجموعه‌ای از عناصر و ارزش‌های مفهومی را

به نحوی تجهیز نموده و به یکدیگر متصل ساخته که نتیجه آن تحقق اصل هدایت و رستگاری انسان و برخورداری از حیات طیبه است. انسان در چارچوب اعتقاد بی آلایش به خداوند و پذیرش اصل توحید، علاوه بر نفی تمامی خدایان دروغین، از طریق مبارزه با وسوسه های شیطانی، انجام عمل شایسته و بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی بطور قطع در مسیری قرار می گیرد که سرانجام آن تجلی با شکوه تمدن اسلامی با ثمرات بی شمار آن در قلمرو زندگی این جهانی و امید به رستگاری در جهان آخرت است.

نتیجه گیری

نتایج کلی حاصل از این پژوهش اجمالاً عبارت‌اند از:

- ۱- قرآن کریم مهم ترین منبع تمدن سازی اسلامی است و بهتر از هر چیز دیگری اصول، اهداف، مسائل و ابعاد تمدن اسلامی را مشخص و بیان نموده است.
- ۲- روش قرآن کریم در فرایند تمدن سازی بیشتر از هر عامل دیگری مبتنی بر گفتمان سازی اسلامی است.
- ۳- قرآن کریم علاوه بر ارائه و معرفی معقول و منطقی عناصر فرهنگی مورد نظر خود، نظام تمدن سازی اسلامی را از طریق غیریت سازی، طرد، نفی و حذف تدریجی ارزش‌ها و اصول حاکم بر گفتمان رقیب به انجام رسانده است.
- ۴- قرآن کریم در آیات مختلفی، شیوه گفتمانی نظام جاهلیت، ارزش‌ها، اخلاقیات، عادت‌ها و قوانین ناپسند آن را به چالش کشیده و نسبت به آنها شالوده شکنی نموده است.
- ۵- تمدن سازی قرآن کریم برنامه ای منظم، هدفمند، روشمند و عقلانی مبتنی بر آگاه سازی، حق انتخاب و کرامت انسانی است و هدفی جز نیل به سعادت مادی و معنوی انسان‌ها ندارد.

۶- نظام تمدن سازی اسلامی مشتمل بر تمامی عناصر ضروری (مادی و معنوی) برای ایجاد و خلق تمدن جدید در نظم گفتمان جاهلی است که از آن جمله توجه به ابعاد وجودی انسان، تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی پیشرفته، نظام اقتصادی جدید، علم و دانش و تفکر منطقی می باشد.

۷- بهره گیری از روش شناسی قرآن کریم در فرایند فرهنگ سازی و ایجاد تمدن نوین اسلامی در عصر کنونی و بویژه جمهوری اسلامی (به باور نگارنده) مناسب ترین شیوه تبلیغ و

بسط نظام معنایی انقلاب اسلامی، تحقق اهداف کلان و آرمان های اصولی آن است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آقا گل زاده، فردوس، *تحلیل گفتمان انتقادی*، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۲. ادیب زاده، مجید، زبان، *گفتمان و سیاست خارجی*، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳. دورانست، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
۴. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، سازمان لغت نامه دهخدا، تهران، ۱۳۴۳ ش.
۵. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۶. رضائی، روح الله، «آمیختگی تمدن ها»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۹۵ و ۹۶، ۱۳۷۶ ش.
۷. سلطانی، سید علی اصغر، قدرت، *گفتمان و زبان*، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷ ش.
۸. طباطبایی اردکانی، محمود، *تاریخ اسلام*، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۶۸ ش.
۹. ظریفیان شفیعی، غلامرضا، *دین و دولت در اسلام*، مؤسسه علمی و فرهنگی میراث ملل، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، *قرآن حکیم و شرح آیات منتخب*، انتشارات نشتا، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. منوچهری، عباس، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. نجم آبادی، شیخ هادی، *تحریر العقلاء*، به سعی و اهتمام مرتضی نجم آبادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۱۳. نصیری رضی، محمد، *تاریخ تحلیلی اسلام*، نشر معارف، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، *فرهنگ قرآن*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا.
۱۵. هال، استوارت، *غرب و بقیه: گفتمان و قدرت*، ترجمه محمود متحد، نشر آگه، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۹ ش.